

ایران

حفظ وجود ایران بر تغییر ماهیت آن اولویت دارد

ما حق داریم نظر خودمان را داشته باشیم؛ حتی اگر آن نظر در چارچوب هیچ جریان سیاسی نکندجذب. پیش از آنکه با معیارهای جریان‌های مختلف، باور یکدیگر را قضاوت کنیم، نگاه من را بشنوید. عده‌ای معتقدند «وجود ایران» بر «ماهیت آن» مقدم است؛ زیرا اگر این سرزمین با همین جغرافیا و تمامیت خود باقی نماند، دیگر سخن گفتن از ماهیت، آزادی یا آینده، معنای روشنی نخواهد داشت. در مقابل، گروهی باور دارند که حتی اگر ایران دچار تجزیه یا از دست رفتن بخشی از سرزمینش شود، تغییر ماهیت سیاسی و اجتماعی آن ارزش این هزینه را دارد. من با این نگاه موافق نیستم. برای من، حفظ «وجود ایران» بر تغییر «ماهیت ایران» اولویت دارد. باور دارم ابتدا باید این سرزمین، با تمامیت ارضی و استقلالش باقی بماند و سپس ماهیت آن، با اراده مردم، اندیشه، فرهنگ و تلاش فرهیختگان به سمت تعالی حرکت کند. آزادی، بدون زمینی که بتوان بر آن ایستاد، شبیه آزادی در سقوط است.

گزیده‌ای از یادداشت علی قمصری آهنگساز و نوازنده تار در ایرنا

نقل قول

اعلام فروش یکی از قدیمی ترین سینماهای پایتخت

پایان یک عصر در «عصر جدید»



از آنکه درباره فروش یک ساختمان باشد، تصویری از تغییر یک زیست فرهنگی است؛ تغییری که در آن «سینما» دیگر تنها یک سالن بزرگ در قلب شهر نیست، بلکه مجموعه‌ای از تجربه‌های متنوع در مراکز تجاری، مال‌ها و حتی صفحه نمایش تلفن همراه است.

گزارش

نرگس عاشوری

گروه فرهنگی

فروش سینما «عصر جدید» شاید در نگاه اول، تنها خبر واگذاری یک ملک قدیمی در خیابان طالقانی باشد؛ اما در واقع، این خبر نقطه پایان یکی از مهم‌ترین فصل‌های تاریخ سینماداری ایران است؛ فصلی که از دهه ۱۳۳۰ آغاز شد. از انقلاب و جنگ گذشته، با رونق فیلمفارس‌ی و سپس سینمای پس از انقلاب همراه شد و امروز زیر سایه پردیس‌های چندسالنه، بلتفرم‌های نمایش خانگی و تغییر سبک زندگی شهری به پایان خود نزدیک شده است. اظهارات عبدالله علیخانی، یکی از مالکان این مجموعه، بیش

از آنکه درباره فروش یک ساختمان باشد، تصویری از تغییر یک زیست فرهنگی است؛ تغییری که در آن «سینما» دیگر تنها یک سالن بزرگ در قلب شهر نیست، بلکه مجموعه‌ای از تجربه‌های متنوع در مراکز تجاری، مال‌ها و حتی صفحه نمایش تلفن همراه است.

تبدیل شده بود.

سینما «عصر جدید» در نیمه دوم سال ۱۳۳۶ ساخته شد؛ دورانی که تهران با شتاب به سمت مدرنیزاسیون پیش می‌رفت و خیابان ولیعصر به مهم‌ترین محور فرهنگی و اجتماعی پایتخت تبدیل شده بود. در آن سال‌ها، سینماها تنها محل نمایش فیلم نبودند؛ آنها ویتترین مدرنیته شهری محسوب می‌شدند. حضور در سینما، بخشی از سبک زندگی طبقه متوسط جدید بود. لاله‌زار، جمهوری، ولیعصر و میدان ولیعصر، شبکه‌ای از آنکه درباره فروش یک ساختمان باشد، تصویری از تغییر یک زیست فرهنگی است؛ تغییری که در آن «سینما» دیگر تنها یک سالن بزرگ در قلب شهر نیست، بلکه مجموعه‌ای از تجربه‌های متنوع در مراکز تجاری، مال‌ها و حتی صفحه نمایش تلفن همراه است.

تبدیل شده بود. سینما «عصر جدید» در نیمه دوم سال ۱۳۳۶ ساخته شد؛ دورانی که تهران با شتاب به سمت مدرنیزاسیون پیش می‌رفت و خیابان ولیعصر به مهم‌ترین محور فرهنگی و اجتماعی پایتخت تبدیل شده بود. در آن سال‌ها، سینماها تنها محل نمایش فیلم نبودند؛ آنها ویتترین مدرنیته شهری محسوب می‌شدند. حضور در سینما، بخشی از سبک زندگی طبقه متوسط جدید بود. لاله‌زار، جمهوری، ولیعصر و میدان ولیعصر، شبکه‌ای از آنکه درباره فروش یک ساختمان باشد، تصویری از تغییر یک زیست فرهنگی است؛ تغییری که در آن «سینما» دیگر تنها یک سالن بزرگ در قلب شهر نیست، بلکه مجموعه‌ای از تجربه‌های متنوع در مراکز تجاری، مال‌ها و حتی صفحه نمایش تلفن همراه است.

تبدیل شده بود. سینما «عصر جدید» در نیمه دوم سال ۱۳۳۶ ساخته شد؛ دورانی که تهران با شتاب به سمت مدرنیزاسیون پیش می‌رفت و خیابان ولیعصر به مهم‌ترین محور فرهنگی و اجتماعی پایتخت تبدیل شده بود. در آن سال‌ها، سینماها تنها محل نمایش فیلم نبودند؛ آنها ویتترین مدرنیته شهری محسوب می‌شدند. حضور در سینما، بخشی از سبک زندگی طبقه متوسط جدید بود. لاله‌زار، جمهوری، ولیعصر و میدان ولیعصر، شبکه‌ای از آنکه درباره فروش یک ساختمان باشد، تصویری از تغییر یک زیست فرهنگی است؛ تغییری که در آن «سینما» دیگر تنها یک سالن بزرگ در قلب شهر نیست، بلکه مجموعه‌ای از تجربه‌های متنوع در مراکز تجاری، مال‌ها و حتی صفحه نمایش تلفن همراه است.

• صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول:

صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر:

هادی خسروشاهین

• مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران

• رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری

• مدیرعامل: علی متقیان

• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • فاکس: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰

• پیامک: ۳۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸

• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری و مؤسسه جام جم

• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT

• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

🎵

برگزاری کنسرت

«علیرضا قربانی» در شیراز

تیم برگزاری کنسرت‌های علیرضا قربانی، خواننده موسیقی سنتی و تلفیقی در تهران برپایی جدیدترین اجرای این هنرمند در شهر شیراز هستند. این کنسرت با رپرتواری متفاوت و قطعات جدید همراه خواهد بود. کنسرت شیراز، دومین کنسرت قربانی در سال جاری است. او خردادماه در سالن استاد شهریار تبریز چند سانس میهمان مردم این شهر بود که با استقبال مخاطبان نیز مواجه شد. جزئیات کنسرت شیراز متعاقباً اطلاع‌رسانی خواهد شد. /ایرنا



🎬

«فقیه سلطانی» در فیلم

«یازده یازده» بازی می‌کند

دومین فیلم بلند سینمایی بهاره رهنما با عنوان «یازده یازده» که مراحل فیلمبرداری خود را در تهران و بومهن طی می‌کند با نقش آفرینی اشکان دلآوری، فقیه سلطانی و افسانه چهره‌آزاد به میانه راه فیلمبرداری رسیده است. فیلم بلند «یازده یازده» که از معدود آثار سباز و سفید سینمای ایران پس از انقلاب به شمار می‌رود، گروه سازنده در جست‌وجوی بازگرگی جوان، مسلط به بازگرگی تئاتر و برخوردار از توانایی اجرای پلان‌های طولانی بودند که به انتخاب آن‌ه فقیه‌سلطانی رسید. /ایرنا

تغییر فناوری؛ تغییر اقتصاد سینما

اما چالش «عصر جدید» تنها پردیس‌ها نبودند. ورود شبکه نمایش خانگی، گسترش اینترنت، ظهور پلتفرم‌های آنلاین و سپس همه‌گیری کرونا، الگوی تماشای فیلم را دگرگون کرد. امروز بخش مهمی از مخاطبان، فیلم را در خانه می‌بینند و سالن سینما دیگر تنها گزینه تماشای آثار تازه نیست. در چنین شرایطی، بقای یک سالن قدیمی با هزینه‌های بالای نگهداری، بدون امکانات جانبی و با ظرفیت محدود، روزبه‌روز دشوارتر شده است. اظهار نظر علیخانی مبنی بر این‌که «اینجا دیگر به درد تئاتر می‌خورد تا سینما» صرفاً یک پیشنهاد کاربری نیست؛ بلکه بازتاب تغییری در اقتصاد فرهنگ است.

در بسیاری از شهرهای جهان، سالن‌های سینمای قدیمی پس از افول اقتصادی، به مراکز اجرای تئاتر، موسیقی، هنرهای نمایشی یا فضاهای چندمنظوره فرهنگی تبدیل شده‌اند. اگر چنین سرنوشتی برای «عصر جدید» رقم بخورد، شاید این بنا همچنان بتواند نقش فرهنگی خود را حفظ کند؛ هرچند دیگر نه به عنوان یک سینما.

فروش «عصر جدید» پیش از آنکه پایان یک ملک باشد، پایان یک الگوی تاریخی در سینماداری ایران است. نسلی که با صف‌های طولانی مقابل گیشه، تابلوهای نقاشی شده سردر سینماها و سالن‌های هزار نفره خاطره پردیس‌های سینمایی داد؛ مجموعه‌هایی با شش، هشت یا حتی بیش از ده سالن که امکان اکران همزمان چندین فیلم را فراهم می‌کردند. در این الگو، مخاطب نه برای یک سالن خاص، بلکه برای یک مجموعه فرهنگی و تجاری به سینما می‌رود. وجود رستوران، کافه، پارکینگ، فروشگاه و امکانات جانبی تجربه سینما رفتن را به یک برنامه خانوادگی تبدیل کرد. همین واقعیت است که عبدالله علیخانی نیز به آن اشاره می‌کند؛ اینکه سالن‌های قدیمی دیگر توان رقابت با پردیس‌های چندسالنه را ندارند.

ساعت‌ها درباره فوتبال، غذا، خاطره، سیگار، سفر یا اتفاقات روزمره حرف می‌زنند، اما در دل همین گفت‌وگوهای ظاهراً ساده، پرسش‌های عمیق‌تری درباره تنهایی، عشق، مرگ و معنای زندگی شکل می‌گیرد. این همان کیفیتی است که آثار او را به جریان سینمای گفت‌وگومحور نزدیک می‌کند؛ سینمایی که حادثه را در دل کلمات جست‌وجو می‌کند، نه در انفجارهای دراماتیک.

در کنار این ویژگی‌ها، «استخر» همچنان از مهم‌ترین موتیف اتفاقات زندگی نیز غافل نمی‌شود؛ مرگ.

مرگ در آثار او همواره حضوری آرام، بی‌ادعا و در عین حال تأثیرگذار دارد. برخلاف بسیاری از فیلم‌ها که مرگ را نقطه پایان روایت می‌دانند، صحت از آن برای تأکید دوباره بر ارزش زندگی استفاده می‌کند. شخصیت‌های او هر بار که با فقدان روبه‌رو می‌شوند، پیش از گذشته به دوستی، خانواده و کنار هم بودن پناه می‌برند.

فیلم نیز چشم‌پوشی کرد. مهم‌ترین چالش «استخر» شاید این باشد که گاهی بیش از اندازه به جهان آشنای فیلمساز وفادار می‌ماند. همان شوخی‌های فلسفی، همان ریتم آرام، همان شخصیت‌های سرگشته و همان مواجهه شاعرانه با مرگ، این خطر را ایجاد می‌کنند که امضای شخصی فیلمساز به تدریج به فرمولی تکرارشونده تبدیل شود. البته این مسأله لزوماً نقطه ضعف مطلق نیست. بسیاری از فیلمسازان مؤلف جهان نیز سال‌ها بر مجموعه‌ای از دغدغه‌های ثابت یا فشاری رفته‌اند. تفاوت در این است که درباره این دغدغه‌ها را در موقعیتی تازه بازآفرینی کرده‌اند. پرسش اصلی درباره «استخر» نیز همین است: آیا این فیلم گامی رو به جلو در جهان سینمایی سروش صحت محسوب می‌شود یا صرفاً تکرار مؤلفه‌های موفق آثار پیشین اوست؟

از منظر اجرا، فیلم همچنان کیفیت قابل قبولی دارد. طراحی صحنه، میزانسن‌های مینیمال، استفاده از طبیعت و فضاهای باز و همچنین ریتم آرام روایت، همگی در خدمت جهان ذهنی فیلمساز قرار گرفته‌اند. بازی امین حیایی و کاظم سیاحی در برخی سکانس‌ها، به‌ویژه در خلق موقعیت‌های



«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

• پیامبر اکرم (ص):

هر کس خشم خود را نگه دارد، خداوند عذابش را از او باز می‌دارد.



بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۲۶۳، ح ۷

🎬

تقدیر از «اصغر فرهادی»

در جشنواره فیلم سارایوو

وودی هارلسون، بازیگر برجسته و سه بار نامزد اسکار نیز در کنار اصغر فرهادی و امیلی واتسون با جایزه افتخاری «قلب سارایوو» مورد تقدیر قرار می‌گیرد. سی و دومین جشنواره فیلم سارایوو از ۱۴ تا ۲۱ اوت ۲۰۲۶ (۲۳ تا ۳۰ مرداد) در کشور بوسنی و هرزگوین برگزار خواهد شد و طبق اعلام پیشین، اصغر فرهادی کارگردان و نویسنده ایرانی، امیلی واتسون بازیگر انگلیسی و دیکو لونا بازیگر و کارگردان مرکزی نیز با دریافت جایزه قلب افتخاری جشنواره مورد تقدیر قرار خواهند گرفت. /ایرنا



📊 تحلیل فرهنگی روز

رضاضمانی

دبیر گروه فرهنگی

چرا تاریخ مطبوعات محلی

بخشی از هویت فرهنگی ایران است؟

آن سوی تیتراهای پایتخت



فراخوان «همایش ملی تاریخ مطبوعات محلی ایران از آغاز تا انقلاب اسلامی» با میزبانی کتابخانه ملی و مرکز اسناد منطقه جنوب کشور که آن‌ر ماه در شیراز برگزار می‌شود، بهانه خوبی است تا در آستانه روز خبرنگار از اهمیت و ضرورت

این رویداد بنویسیم. در روزگاری که سرعت، حافظه را به حاشیه رانده است و خبر، پیش از آن‌که به تاریخ تبدیل شود، در انبوه داده‌ها گم می‌شود، برگزاری همایشی درباره تاریخ مطبوعات محلی، صرفاً یک رویداد دانشگاهی نیست، تلاشی است برای بازگرداندن حافظه به رسانه و رسانه به حافظه. این همایش، دعوتی است برای مکت، برای دوباره دیدن آنچه سال‌ها در هیاهوی اخبار روزانه از نظر دور مانده است. تاریخ مطبوعات، تاریخ کاغذهای زردرنگ و آرشیه‌های خاک‌خورده نیست، تاریخ نفس کشیدن یک جامعه است. اگر بخوانیم فراز و فرودهای فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی ایران را بخوانیم، باید لایه‌ای ستون‌های روزنامه‌های محلی جست‌وجو کنیم، همان نشریاتی که شاید تیراژشان محدود بود، اما دامنه تأثیرشان تا عمق زندگی مردم امتداد داشت. بسیاری از روایت‌هایی که در رسانه‌های سراسری مجال ظهور پیدا نمی‌کرد، در مطبوعات محلی ثبت شده و امروز به اسناد زنده تاریخ بدل شده‌اند. در واقع، مطبوعات محلی آینه‌ای هستند که جزئیات زندگی روزمره، دغدغه‌های شهروندان، تحولات فرهنگی، مناسبات قدرت و حتی تغییرات سبک زندگی را با دقتی ثبت کرده‌اند که کمتر منبع تاریخی دیگری از آن برخوردار است.

اهمیت این همایش از همین نقطه آغاز می‌شود؛ از این باور که تاریخ رسانه را نمی‌توان فقط از پایتخت نوشت. ایران را باید از شیراز، تبریز، رشت، مشهد، اهواز، بوشهر، کرمان، سنجند، ج، زاهدان و ده‌ها شهر دیگر نیز خواند؛ از دل روزنامه‌هایی که زبان مردم همان اقلیم بودند و نبض تحولات محلی را ثبت کردند. تاریخ مطبوعات محلی، در واقع تاریخ ایران از زاویه‌ای کمتر دیده‌شده است؛ روایتی که اگر نادیده گرفته شود، تصویر ما از گذشته، تصویری ناقص و مرگ‌رکار خواهد بود.

انتخاب شیراز برای میزبانی این همایش نیز معنایی فراتر از یک انتخاب جغرافیایی دارد. فارس، یکی از خاستگاه‌های مهم روزنامه‌نگاری ایران است، آستانی که هم در تولید اندیشه و هم در شکل‌گیری جریان‌های فرهنگی و ادبی سهمی انکارناپذیر داشته است. از اولین نشریات تأثیرگذار تا حضور روزنامه‌نگاران و نویسندگانی که در شکل دادن به افکار عمومی نقش داشته‌اند، این شهر همواره بخشی از حافظه مطبوعاتی ایران بوده است. طبیعی است که بازخوانی میراث مطبوعاتی جنوب کشور از چنین نقطه‌ای آغاز شود، جایی که هنوز بسیاری از اسناد، عکس‌ها، نشریات و روایت‌های ناگفته، چشم انتظار پژوهشگران هستند. اما ارزش این رویداد تنها در گردآوری مقاله‌ها نیست. آنچه اهمیت دارد، شکل‌گیری گفت‌وگویی تازه میان نسل امروز رسانه و میراث دیرپو مطبوعات است. روزنامه‌نگاری، بدون شناخت گذشته خود، در معرض تکرار خطاها و فراموشی تجربه‌ها قرار می‌گیرد. آرشیه‌ها فقط محل نگهداری اسناد نیستند؛ آراگاه تولید افکاهی اند و هر سند مطبوعاتی، روایتی است از سبک جامعه یا حقیقت، قدرت، فرهنگ و مردم. هر شماره یک روزنامه، نه فقط مجموعه‌ای از خبرها، بلکه تصویری از روح زمانه است؛ از آنچه جامعه می‌اندیشید، مطالبه می‌کرد و از آن بیم یا امید داشت. البته این مهم‌ترین دستاوردهای چنین همایشی، جلب توجه به ضرورت حفظ و دیجیتال‌سازی آرشیه‌های مطبوعاتی باشد. هنوز بخش قابل توجهی از میراث رسانه‌ای استان‌ها در معرض فرسودگی، پراکندگی یا حتی نابودی قرار دارد. بسیاری از نشریات محلی، به دلیل محدودیت امکانات یا نبود نظام آرشیویی منسجم، در خطر فراموشی هستند، در حالی که هر صفحه از آنها می‌تواند منبعی ارزشمند برای پژوهشگران تاریخ، جامعه‌شناسی، ارتباطات، مطالعات فرهنگی و حتی برنامه‌ریزان توسعه باشد. حفظ این میراث، صرفاً یک اقدام فرهنگی نیست؛ سرمایه‌گذاری برای آینده پژوهش و شناخت دقیق تر جامعه ایرانی است. در عصر رسانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی، شاید بیش از هر زمان دیگری به بازخوانی تاریخ مطبوعات نیاز داشته باشیم. نه از سر نوستالژی، بلکه برای فهم اینکه چگونه می‌تواند مسئولیت اجتماعی خود را حفظ کند؛ چگونه می‌تواند هم روایتگر زمانه باشد و هم حافظ حافظه جمعی، امروز که تولید و انتشار محتوا با سرعتی بی سابقه انجام می‌شود، بیش از گذشته به معیارهای حرفه‌ای، اخلاقی رسانه‌ای و تجربه نسل‌های پیشین نیازمندیم؛ تجربه‌ای که بخش مهمی از آن در صفحات مطبوعات محلی ثبت شده است.

این همایش، اگر بتواند میان پژوهش، رسانه، دانشگاه، آرشیهو تجربه زیسته روزنامه‌نگاران پلی پایدار برقرار کند، تنها یک رویداد تقویمی نخواهد بود؛ بلکه می‌تواند آغازگر حرکتی تازه برای بازخوانی هویت رسانه‌ای ایران باشد. هویتی که فقط در روزنامه‌های بزرگ پایتخت شکل نگرفته، بلکه در دهانه‌نشریه محلی، در شهرهای کوچک و بزرگ، در میان اقدام‌های مردم و قلم روزنامه‌نگاران گمنام اما اثرگذار نیز ریشه دارد. گاهی برای فهم آینده، باید تپندهای دیروز را دوباره خواند؛ زیرا تاریخ مطبوعات، فقط تاریخ رسانه نیست، تاریخ جامعه‌ای است که خود را در آینه رسانه بازشناخته و روایت کرده است.

